

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۱۰)

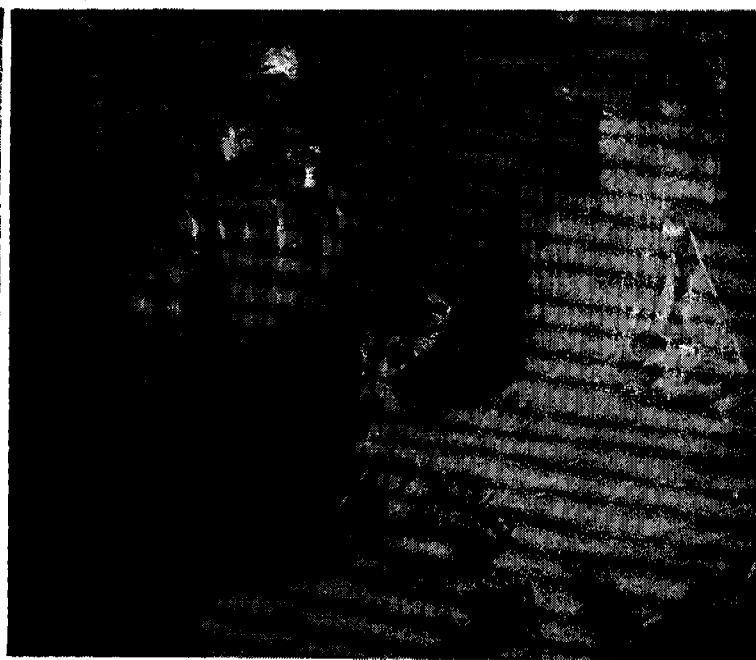
دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه نویسان معروف جهان

رفتن شاهان مجوس از مشرق به بیت‌لحم بقصد زیارت و ستایش مسیح نوزاد از جمله موضوعاتیست که شاعران و هنرمندان و نویسندگان عالم مسیحیت از سالها پیش مکرراً آنرا بشکلهای مختلف و با عناوین گوناگون از قبیل: «بشارت بوسیله ستاره معجز نشان» «L'annonciation par l'étoile miraculeuse» و یا «نیایش مجوسان» «L'adoration des mages» و یا «سه پادشاه مشرق» «The three kings of the Orient» و نظائر آن تفسیر و تصویر کرده‌اند. خلاصه اینکه این داستان از بدو انتشار بخاطر حالت شاعرانه و مرموز و لطیفش توجه شاعران و هنرمندان و درام نویسان را بخود جلب کرده است. شاعر سده نوزدهم فرانسه «البرسمن» Albert Samain (۱۹۰۰ - ۱۸۵۹) این موضوع را در قطعه‌ای باین شرح توصیف میکند: «کودک برهنه، لرزان بر روی گاه در آخور، پادشاهان مجوس را در حال وجد و بیخودی در پائین پای خود نمی‌بیند»^۲ علاوه بر نمایشنامه‌ای که در قرون وسطی در این مورد نوشته شده و شرح آن در صفحات

۱- در کلیسای «تردام» در پاریس Notre Dame de Paris که از بناهای با عظمت سده دوازدهم میلادی و یکی از عجایب معماری گوتیک است، صحنه‌ای از این واقعه، با مجسمه، نشان داده شده؛ در منخل کلیسای شهر «اولم» Ulm در جنوب آلمان نیز صحنه دیگری از این واقعه تصویر شده است. در شهرچه «شانتی‌یی» Chantilly واقع در شمال پاریس، که از لحاظ کاخهای زیبای تابستانی‌اش مشهور است و موزه آن دارای آثار بسیار گرانبهاست، تصویری از ملاقات سه مجوس با یکدیگر تحت عنوان «ساعات بسیار گرانقدر» Très riches heures موجود است. تصویر دیگری از سواری سه مجوس بر اسب، تحت عنوان «سواری» Chevauchée در کاخ معروف به «ریکاردی» Riccardi در شهر فلورانس هست که در آن سه مجوس و همراهانشان در لباس سلاطین مدیسی Medicis دیده میشوند. این تصویر ضمن مقاله شماره ۱۱۰۰ پیش بنظر خوانندگان محترم رسید.

خلاصه اینکه تصویرهای مختلفی از قبیل بیدار شدن سه مجوس توسط فرشته و ملاقات ایشان با هرود و یا حرکت ایشان بسمت شهر «طرسوس» Tarse واقع در جنوب آسیای صغیر، در دامنه جبال طوروس Taurus، بصورت تابلو نقاشی، و یا نقاشی آبرنگ بر روی کج، Fresque و نقاشیهای روی شیشه و همچنین به صورت حجاریهای برجسته Bas relief و حجاریهای روی سنگ گور، در شهرهای مهم اروپا از جمله وین و پیزه Pise در ایتالیا و «سواسون» Soissons در فرانسه موجود است که مشاهده آنها برای محصلین آثار هنری و علاقمندان بمباحث فلسفی و مذهبی بینهایت مفید است. در موزه «متروپولیتن» Metropolitan نیویورک نیز تابلویی با عنوان «ستایش پادشاهان» The Adoration of the Kings اثر «هیرونیموس بوش» Hieronymus Bosch موجود است. «الساندو بوتیچلی» Alessandro Botticelli (۱۵۱۰ - ۱۴۴۷) نقاش مشهور و برگزیده ایتالیا که آثار نقاشی‌اش از مریم و وقایع مذهبی، در جهان معروف است نیز



راست: نیایش فرزاتگان - تابلوی نقاشی اثر آلبرت ادل فلدت Albert Edelfeldt چپ: ستایش مغان - اثر بوتی چلی

پیش گذشت در سال ۱۹۵۲ نیز اپرانی توسط جیان کارلومینوتی Gian Carlo Menotti برای تلویزیون بزبان انگلیسی نوشته شد که اخیراً در تهران در تالار انجمن ایران وامریکا بروی صحنه آمد. عنوان این اپرا «امال ومیهمانان شبانه» Amahl and the Night Visitors

تابلوی بنام «ستایش مجوسان» L'Adoration des Mages دارد که در «گالری صاحبمنصبان» در شهر فلورانس نگاهداری میشود و «روبس» Pierre - Paul Rubens (۱۶۴۰ - ۱۵۷۷) نقاش مشهور «فلمان» Flamand که آثارش از لحاظ طرح و رنگ آمیزی و قدرت و غنای تخیل در جهان مشهور است نیز تابلویی تحت همین عنوان «ستایش مجوسان» از خود باقی گذاشته که در موزه «لوور» Louvre پاریس است. تصویری از این دو تابلو را در این صفحات ملاحظه میفرمائید. «برناردینو لوبینی» Bernardino Luini که از شاگردان معروف «لئوناردو داوینچی» Leonardo da Vinci بوده و در نقاشی «فرسک» Fresque سرآمد این طبقه از هنرمندان است نیز تابلویی با همین عنوان دارد که آن هم در موزه «لوور» است و از لحاظ ظرافت و طراوت و رنگ آمیزی در حد کمال است. تصویر این تابلو نیز در این صفحات مشاهده میشود. نقاشان بسیار مشهور دیگری نیز این موضوع را تصویر کرده اند که ما در اینجا فهرست وار نام چند نفر از معروفترین ایشان را ذکر میکنیم: «آلبرت دورر» Albert Durer (۱۵۲۸ - ۱۴۷۱) نقاش معروف آلمانی؛ «رافائیل» Rapdaël (۱۵۲۰ - ۱۴۸۳) نقاش و معمار مشهور ایتالیایی و اعجوبه هنرمندان دوره رنسانس؛ «پول ورونز» Paul Véronèse نقاش مشهور دیگری از ایتالیا؛ و «هنز مملینگ» Hans Memling (۱۴۹۴ - ۱۴۳۵) نقاش بسیار توانای فلمان Flamand؛ و «نیکلا پوسن» Nichola Poussin (۱۶۶۵ - ۱۵۹۴) نقاش معروف فرانسوی، که آثارشان در این مورد بترتیب در موزه شهرهای فلورانس و برلن و در سن و مادرید و پاریس نگاهداری میشود. در فرانسه در شهری بنام «تروا» Troyes کوچهای بنام «سه پادشاه» La Rue des Trois-Rois هست که «گوستاو فلور» Gustave Flaubert در زمان خود موسوم به «مکتب عشق» L'Education Sentimentale در فصل دوم از آن یاد میکند.

در سرودهای مذهبی که مسیحیان هنگام عید میلاد مسیح میخوانند نیز سرودی که زبان حال سه پادشاه مجوس است ساخته شده که همیشه در تشریفات این جشن خوانده میشود.

L'enfant nu, grelottant sur la paille des crèches
Ne voit plus de roi mage en extase à ses pieds

- ۲



چپ : ستایش مغان - اثر لویی نی .



راست : نیایش مغان یامجوسان - تابلوی نقاشی اثر روبنس

است و مربوط است به ماجرای زندگی يك پسر بچهٔ مفلوج بنام «امال» که با مادرش در کلبه‌ای حقیر زندگی میکند و سه پادشاه مجوس را که برای تقدیم هدایا به مسیح نوزاد ، عازم بیت لحم هستند بخانهٔ خود پناه میدهد . مادر ستم‌دیده و بی‌نوای « امال » در اثر وسوسهٔ شیطان درصدد برمی‌آید که قسمتی از هدایای گرانبهایی را که سه مجوس برای تقدیم به نوزاد به ارمغان می‌برند بر بایند و بفرزند مستمند و محرومش بدهد ولی دزدی‌اش فاش میشود . سه مجوس که به بی‌نوایی او پی می‌برند او را عفو میکنند . «امال» از روی ساده دلی ولی با روحی سرشار از شغف عزیزترین وسیلهٔ مورد حاجت خود یعنی چوبهای زبر بغلش را توسط ایشان برای مسیح نوزاد می‌فرستد . معجزه‌ای رخ میدهد و امال شفا مییابد .

«منوتی» در مقدمهٔ این اپرا که برای اطفال نوشته توضیح میدهد که در ایتالیا «پاپانوئل»^۳ وجود ندارد و بجای او سه پادشاه برای اطفال خوب هدیه و تعارف می‌برند . ملکپور Melchior بصورت پیرمردی با ریش بلند و سفید و کاسپار Kaspar در چهرهٔ مردی کر و خل وضع برایشان ظاهر میشود .

۳ - Papa Noël یا Le père Noël در کشورهای مسیحی پیرمرد سپید موئی است که در شب عید میلاد مسیح برای کودکان خوب هدیه و تعارف می‌آورد . در کشورهای انگلیسی‌زبان این موجود را « سنت نیکلاس » Saint Nicholas مینامند . این نام منسوب به کشیشی است از اهالی «مایرا» Myra در منطقه ساحلی و کوهستانی «لیشیا» Lycia واقع در جنوب آسیای صغیر . تاریخ تولد کشیش مزبور را حوالی سال ۳۴۵ میلادی ثبت کرده‌اند . اما در کشور ایتالیا سنت اینست که در شب عید میلاد مسیح بجای «پاپانوئل» یا «سنت نیکلاس» سه پادشاه مجوس برای اطفال خوب هدیه و تعارف می‌برند .

درخصوص رفتن مجوسان به بیت‌لحم فیلم سینما هم ساخته شده که یکی از آنها چندی پیش در تهران در کلیسای کاتولیکها نشان داده شد.

در سال ۱۸۹۱ نیز اپرایی تحت عنوان «مجوس» *Le Mage* در پنج پرده و شش تابلو توسط «ژول ماسنه» *Jule Massenet* مصنف فرانسوی تنظیم شده و اشعار آنرا «ریشه‌پن» *J. Richepin* سروده است. موضوع این اپرا داستان جنگ بین ایرانیان و تورانیان در سرزمین باختر (بلخ) است. قسمتهائی از موسیقی این اپرا مطلوب و دلپذیر است ولی بروی هم این اپرا از جمله آثار ممتاز محسوب نمی‌شود.

آنچه تا اینجا دربارهٔ عزیمت مجوسان به بیت‌لحم برای زیارت مسیح نوزاد بیان شد مقدمه‌ای بود برای بحث دربارهٔ این موضوع که آیا این سه مجوس که در انجیل متی شرح داستانشان آمده و شاعران و نقاشان و نمایشنامه‌نویسان و هنرمندان دیگر عالم مسیحیت اینهمه شعر و نمایشنامه و اپرا و سرود و تابلوهای نقاشی و آثار گرانمایه‌های دیگر دربارهٔ ایشان و نیایشی که از مسیح کرده‌اند از خود باقی گذاشته‌اند چه کسانی و از کدام سرزمین بوده‌اند.

چنانکه قبلاً هم اشاره کردیم در انجیل تعداد این مجوسان معین نیست و شاید در قرون وسطی بخاطر اینکه سه هدیه در انجیل ذکر شده یعنی زر و مس و کندر، باین جهت تصور شده که ایشان سه نفر بوده‌اند.

در سدهٔ ششم میلادی بود که ایشان را به اسامی سه‌گانه مذکور نامیده‌اند^۴. از این سه اسم فقط یکی یعنی «بالتازار» در کتابهای تاریخ و همچنین در انجیل^۵ ذکر شده و او پسر «نبوکودونصر» *Nabuchodonosor* آخرین پادشاه کلدان است^۶ که هنگام لشکرکشی کوروش کبیر در سال ۵۳۸ ق. م. به آن کشور، شکست خورد و کشته شد. در مورد دو اسم دیگر هیچ سند موثق تاریخی حاکی از اینکه از کجا گرفته شده بدست نیامد.

روایت دیگری که دربارهٔ این سه پادشاه نقل شده اینست که استخوانهای ایشان در سده پانزدهم میلادی از استامبول به شهر میلان برده شد و بعداً در کلیسای شهر کولونی مدفون گردید و برای تجدید خاطره‌ای از ایشان هر سال جشنی از طرف مسیحیان برگزار می‌شود که آنرا «اپی‌فانی»^۷ *Epiphany* مینامند.

کلمهٔ مجوس معرب مغ است که به فرقه‌ای از پیشوایان دین زرتشت یا مزدیان اطلاق می‌شده است^۸. این کلمه در زبان لاتین بصورت «ماگوس» *Magus* و در زبان یونانی «ماگس» *Magos* و در زبان فرانسه بصورت «ماژ» *Mage* و در زبان انگلیسی بشکل «میجی» در آمده است. استرابون *Strabon* (۲۵ ق. م. = ۵۸ ق. م.؟) جغرافی‌دان معروف از مردم کاپادوکیه *Cappadocia* واقع در نقاط مرکزی آسیای صغیر، راه و رسم پرستش و تشریفات مذهبی ایشان را بتفصیل شرح داده و میگوید که از جمله این تشریفات یکی نثار کردن شیر و روغن و غسل بر خاک بوده است که هنگام خواندن نماز و دعا معمول می‌داشته‌اند^۹. در موقع برگزاری کردن این مناسک پیشوایان

۴- مراجعه شود به دائرةالمعارف مردم امریکا *The American people Encylopeadia*
۵- تورات، کتاب دانیال، باب پنجم.

۶- رجوع شود به تاریخ ایران باستان تألیف پیرنیا جلد اول، صفحه ۳۸۳ بعد.

۷- «اپی فانی» کلمه‌ایست یونانی بمعنی تجلی و ظهور و همان عید «خاج‌شوایان» است که بعضی آنرا عید ظهور *Apparition* نیز مینامند و اطلاق میشود بظهور مسیح به افرادی که یهودی یا نصرانی نبوده‌اند یعنی مجوسان. در فرانسه از سال ۱۸۰۱ این عید را در نخستین روز یکشنبه بعد از ۶ ژانویه برگزار میکنند و عوام الناس این روز را «روز شاهان» *Jour des Rois* مینامند.

۸- رجوع شود به ذیل کلمهٔ مغ و مجوس در برهان قاطع، چاپ دکتر معین.

۹- شاید مضمون شعر حافظ که میگوید: «اگر شراب‌خوری جرعه‌ای فشان بر خاک» اشاره بچنین تشریفات باشد.

مجوس با پتۀ دستمالی که بسر خود میبستند جلوه‌هان خود را میگرفتند تا نفس نامطبوع ایشان آتش را آلوده نسازد .

در تمام فرهنگها و دایرة المعارفهای فرانسه و انگلیسی کلمه «ماژ» Mage دانشمند و عالم به علم نجوم و پیشوای دینی در مذهب زرتشت نزد ایرانیان و مادها معنی شده است و نیز این کلمه در مورد کسانی بکار برده شده که در علوم خفیه و مکتوم چون سحر و جادو وارد و مسلط باشند . در قرآن کریم کلمۀ مجوس فقط يك بار در سورة الحج ، آیه هفدهم ، در ردیف مذہبهای بحق آمده است .

ان الذین آمنوا والذین هادوا والصابئین والنصارى والمجوس والذین اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیمة ان الله علی کل شئی شهید .

یعنی بدان که خداوند در روز ستاخیز بین کسانی که ایمان آورده‌اند و یهودیها و صائبیها و نصرانیها و مجوسها و همچنین کسانی که مشرک‌اند تفاوت خواهد گذاشت و خداوند بر همه چیز شاهد است .

آنچه اکثر علمای فقه‌اللغه در آن توافق دارند اینست که کلمۀ مغ در اصل فارسی و بیک فرقه مذهبی باستانی در مذهب زردشت اطلاق میشده است ولی در زمان تولد حضرت مسیح این کلمه را بیشتر در مورد ستاره‌شناسان بکار میبرده‌اند .

در امپراطوری روم این کلمه را به امور مربوط به سحر و جادو اطلاق میکردند ولی دربارهٔ سه پادشاه مجوس که برای زیارت مسیح به بیت‌لحم رفتند عقیده داشتند که ایشان با علائمی آسمانی برای ستایش پادشاه یهودیان عازم آن شهر شدند .

اصول عقاید مجوسها همان اصول عقاید زردشتیها بوده یعنی به قدرت بی‌منتهای اهورمزدا ، خدای بهشت یا آسمانها و گروه‌گروییان یا فرشتگان مقرب که مظهر پندار نیک و ابدیت بوده‌اند و پیروزی نهائی اهورامزدا بر اهریمن که مظهر زشتی و بدی در جهان است معتقد بودند^{۱۰} . همچنین به وجود ارواح طبیعت مثل آناهیتا یعنی روح آب حاصل‌آور و اثار Atar یعنی آتش و میترا فرشته نور مطلق یا خورشید ایمان داشتند. این افکار و عقاید اصولی بعد در مذهب مهرپرستی داخل شد و بین سدهٔ اول و سوم میلادی در امپراتوری روم شیوع یافت، ولی شیوع و انتشار این مذهب قدیمی ایران در جهت مغرب با عقاید مذهبی و مراسم دینی مردم بابل درهم آمیخت و نتیجهٔ آن تمایل شدید به ستاره‌شناسی و نجوم و همچنین دیوشناسی Demonology و سحر و جادو شد و هنگامی که این عقاید از طریق بین‌النهرین و ارمنستان و کاپادوکیه و آسیای صغیر به یونان و روم رسید در نظر عامۀ مردم با ستاره‌شناسی و سحر و جادو ارتباط یافت و بهمین جهت است که در انجیل تعبیر دانشمندان Wise men برای ایشان بکار برده شده است . دانشمندانی که در انجیل متی بایشان اشاره میشود واقعاً ستاره‌شناس بوده‌اند و سحر و جادو را نه پیروان زردشت در ایران قدیم حمایت و تشویق میکردند و نه یهودیان قدیم و نه مسیحیان اوائل مسیحیت .

۱۰- رجوع کنید به کتاب دینکرد نگارش محمد جواد مشکور چاپ سال ۱۳۲۵ صفحه ۱۲۹ و بعد